

سنجش سطح دانش و آگاهی روستاییان درباره مدیریت بحران خشکسالی (مطالعه موردی: روستاهای دهستان میان خواف شهرستان خواف)

طاهره صادقلو^۱ استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
یاسر عرب تیموری - دانشجوی کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
اسماعیل شکوری فرد - دانشجوی کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۴/۲۲ تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۱۲/۳

چکیده

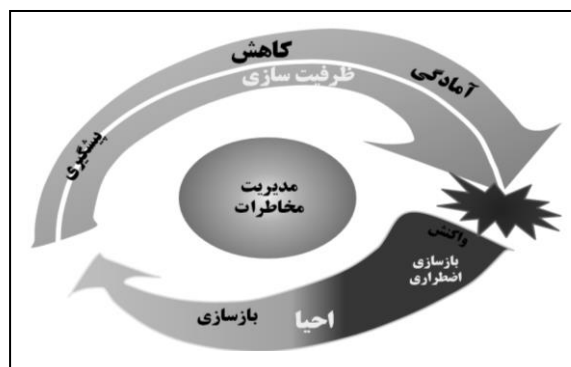
مخاطرات طبیعی یک چالش عمده در نواحی روستایی است و کنترل آن در روستا از اهمیت زیادی برخوردار است. با توجه به این مسئله هنوز عرصه‌های روستایی کشور از یک مدیریت فراگیر بحران برخوردار نبوده و سالیانه تعداد زیادی از ساکنان نواحی روستایی کشور در اثر سوانح طبیعی و غیرطبیعی دچار خسارات و تلفات جانی و مالی می‌شوند. روستاها و اهالی آن به عنوان پایه اصلی در مدیریت بحران با دانش و آگاهی، پیش‌بینی، آمادگی و بازسازی مناسب، نقش جدی در کاهش خسارات و تلفات مخاطرات خواهند داشت. پژوهش حاضر در بهار ۱۳۹۵، با هدف سنجش سطح دانش و آگاهی روستاییان درباره مدیریت بحران خشکسالی انجام شد. برای رسیدن به هدف پژوهش از روش‌شناسی توصیفی-تحلیلی از طریق شیوه مطالعه اسنادی و پیمایشی (پرسشنامه محقق ساخته) استفاده شد. جامعه آماری پژوهش را ۲۶۰ نفر از خانوارهای روستایی دهستان میان خواف شهرستان خواف تشکیل داده‌اند. برای جمع‌آوری داده‌ها از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای با ابزار پرسشنامه محقق ساخته بر اساس شاخص‌ها و مؤلفه‌های ابعاد ۴ گانه دانش مدیریت بحران خشکسالی از ادبیات نظری استفاده شد. پایایی ابزار اندازه‌گیری با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ (۰,۷۸۴)، تأیید شد. نتایج و یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که خانوارهای روستایی نمونه در برخورداری از مؤلفه‌های ابعاد چهارگانه دانش مدیریت بحران و در کل دانش روستاییان درباره مدیریت بحران خشکسالی، پایین‌تر از سطح مطلوب میانگین عددی ۳ قرار دارند. همچنین با استفاده از مدل اولویت‌بندی کوپراس، بین روستاهای مورد مطالعه در خصوص برخورداری از دانش مدیریت بحران خشکسالی رتبه‌بندی انجام گرفت که روستای فایندر با بیشترین امتیاز در رتبه اول و روستای وراب در رتبه دوم و روستای مهاباد در پایین‌ترین رتبه قرار دارند.

کلیدواژه‌ها: دانش و آگاهی، بحران، مدیریت بحران، خشکسالی، دهستان میان خواف.

۱. مقدمه

بدون شک توسعه روستایی مفهومی چند بخشی و دارای ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است (قدیری معصوم و قراگوزلو، ۱۳۹۱: ۲) و دستیابی به توسعه پایدار روستایی مستلزم توجه به همه ابعاد محیطی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، کالبدی، نهادی و مدیریتی است (افراخته، ۱۳۹۱: ۴۰). در این میان، یکی از مباحث و دغدغه‌های عمده توسعه روستایی، توجه به مخاطرات و بحران‌هایی است که به طور نسبتاً دائمی، سکونتگاه‌های روستایی را با دگرگونی‌ها و تحولات غیرمنتظره روبرو می‌سازد. وقوع بحران بر کلیه پارامترهای دخیل در توسعه پایدار اثر می‌گذارد، لذا مدیریت بحران گامی اساسی در توسعه پایدار محسوب می‌شود (فیروزی و همکاران، ۱۳۹۰: ۹۷). توجه به این مخاطرات و بحران‌ها، ضرورت انکارناپذیر دستگاه مدیریت بحران و ساختار مدیریت بحران است. از آنجاکه بحران‌ها همواره در محیط‌های مستعد خطر آسیب‌ها و تلفات سنگین‌تری دارند، در سکونتگاه‌های روستایی که به دلایل متعدد از نواحی مستعد خطر به شمار می‌روند، تلفات و خسارات گسترده و سنگین‌تری دارند (ریاحی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲).

بحران وضعیت ناگهانی و غیر عادی است که در نتیجه بروز حوادث طبیعی یا غیرطبیعی رخ می‌دهد و به طوری که باعث درهم‌ریختگی شدید زیست محیطی و روانی - اجتماعی که بسیار فراتر از ظرفیت انطباقی جامعه به آن مبتلا باشد، می‌شود (تقوایی و عزیزی، ۱۳۸۷: ۳۶). مدیریت بحران در واقع پیشگیری، برنامه‌ریزی و ارزیابی برای کاهش و به حداقل رساندن عواقب احتمالی بحران‌هاست که از طریق برنامه‌ریزی حاصل می‌شود (جاکوس، ۲۰۰۷: ۱۴۸) و به عنوان تخصصی علمی و کاربردی، مستلزم برخورداری از مهارت‌ها، ابزارها و عوامل گوناگونی است که از مهم‌ترین این پایه‌ها و ملزومات، آگاهی و دانش است. دانش شامل آگاهی و درک مجموعه‌ای از اطلاعات و چگونگی استفاده بهینه از آن اطلاعات است؛ به عبارت دیگر، دانش شکل غنی شده و بارور شده اطلاعات است که با درک چگونگی و چرایی همراه است. اجرای مراحل مدیریت بحران (کاهش، آمادگی، پاسخ، بازگشت و بازسازی) نیازمند داشتن آگاهی و ادراک متناسب با هر اقدامی است که به بهترین نحو مجموع اطلاعات موجود را به کار می‌گیرد (سجاسی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۴۴).



شکل ۱ گام‌های فرایند مدیریت مخاطرات

Abani, 2016

در ادوار گذشته و بخصوص سالیان اخیر دهستان میان خواف با بحران خشکسالی شدید روبرو بوده است، به طوری که خشکسالی سهم قابل توجهی در پایین آمدن راندمان تولید این منطقه داشته است. این نوع مخاطره در کل سطح شهرستان خواف قابل مشاهده بوده است. پایین آمدن معنادار راندمان تولیدات در روستاها، هدر رفت انواع و اریته‌ها و منابع تولید در جریان کشت و کار و غیرقابل پیش‌بینی بودن بحران خشکسالی و وابستگی به منابع طبیعی از عواملی هستند که اهمیت توجه به دانش و آگاهی‌های لازم در رابطه با مقابله با این بحران را بیش‌ازپیش نمایان می‌سازد. با توجه به اینکه در شرایط خشکسالی جوامع روستایی استراتژی‌های متفاوتی برای مقابله با این پدیده بکار می‌گیرند و از آنجایی که فرایند تحقیقات علمی، تدبیر و اشراف اطلاعاتی در بحران‌ها جز از طریق دانش و آگاهی میسر نیست، براین اساس هدف پژوهش حاضر سنجش سطح آگاهی و دانش روستاییان در زمینه مدیریت بحران خشکسالی در مجموعه روستاهای مورد مطالعه در شهرستان خواف است. در این راستا سؤال اصلی این پژوهش بدین صورت مطرح می‌شود که دانش و آگاهی روستاییان منطقه مورد مطالعه نسبت به مدیریت بحران خشکسالی چه اندازه است؟

۱.۱. پیشینه نظری

بیشتر مطالعات مربوط به مدیریت بحران، غالباً در حوزه‌های شهری، آثار و پیامدهای بحران، انواع بحران‌ها و مخاطرات، راهکارهای مقابله با بحران‌ها و مراحل آن را مورد توجه قرار داده‌اند، و مطالعات محدودی در حوزه روستایی و بخصوص سنجش سطح آگاهی اجتماعات روستایی در زمینه مدیریت بحران به رشته تحریر درآمده است. به‌ویژه در خصوص موضوع مورد مطالعه تحقیق حاضر، یعنی سطح آگاهی روستاییان در خصوص مدیریت بحران، به جرات می‌توان گفت مطالعه‌ای در این خصوص در داخل کشور صورت نگرفته است و این بعد را می‌توان وجه تمایز و نوآوری مطالعه حاضر لحاظ کرد. در این قسمت به برخی از مطالعات انجام شده در راستای تحقیق حاضر اشاره می‌شود.

جدول ۱ سوابق تحقیق در زمینه سنجش آگاهی و دانش روستاییان در زمینه مدیریت بحران

نام پژوهشگر	عنوان پژوهش	نتایج پژوهش
عزمی و همکاران، ۱۳۹۳	جایگاه دانش بومی در مدیریت مخاطرات طبیعی در روستاها، مورد: دهستان شیزر، شهرستان هرسین	نتایج نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری بین اثر بخشی دانش بومی و نوین در کاهش آسیب‌پذیری مخاطرات طبیعی وجود دارد و دانش بومی سهم بیشتری در مدیریت مخاطرات طبیعی در نواحی روستایی داشته است.
سجاسی قیداری و همکاران، ۱۳۹۳	سنجش سطح دانش مدیریت بحران مدیران محلی روستایی با تأکید بر زلزله، مورد: دهستان گشت، شهرستان سراوان	مطالعه حاضر با هدف بررسی میزان دانش مدیریت بحران میان مدیران محلی مناطق روستایی (دهیاران و شوراهای) انجام شده است. نتایج نهایی نشان می‌دهد که سطح دانش مدیریت بحران میان مدیران روستاهای مطالعه شده پایین‌تر از حد متوسط است.
چشم براه و همکاران، ۱۳۹۴	راهبرد مدیریت دانش در مدیریت بحران	هدف مطالعه ارائه الگویی راهبردی برای تبیین مدیریت بحران‌ها و اعمال اثر بخش آن مبتنی بر دانش است. نتایج نشان می‌دهد که چهار اصل مدیریت دانش در مدیریت بحران شامل تشخیص، تحلیل، تدبیر و تأثیر، نقش مهمی در مدیریت بحران دارند. همچنین مراحل مختلف بحران را براساس الگوی پیشنهادی به صورت دانش بنیان در سیاست گذاری‌های امنیتی ^۱ انتظامی تبیین می‌کند.
عبداللهی، ۱۳۸۸	نقش و جایگاه مدیریت‌های محلی در تحقق نظام نوین مدیریت بحران	برنامه‌ریزی برای تمرین استفاده از مدیریت‌های محلی و مردم در مدیریت بحران حوادث غیر مترقبه را به عنوان اصلی بنیادین در تعریف برنامه و سازماندهی تشکیلاتی در هنگام وقوع بحران‌ها می‌داند. در این راستا بر ارتقا آگاهی و دانش اجتماعات محلی به عنوان اهرم اصلی تأکید شده است.
ایمانی و عمران زاده، ۱۳۸۸	راهکارهای رفع نارسایی مدیریت بحران در نواحی روستایی ایران	نتایج نشان می‌دهد که راهکارهای رفع نارسایی‌های مدیریت بحران در نواحی روستایی به دو دسته عوامل کلی داخل و خارج روستا هستند. در داخل روستا به ایجاد زمینه‌های ارتقا آگاهی، مشارکت و آموزش‌های اهالی روستا و در خارج از روستا به بسیج کلیه ارگان‌های وابسته دولتی در زمینه خدمات رسانی و پیش‌گیری از وقوع بحران‌ها و برنامه‌ریزی قبلی توسط مسئولان امر اشاره کرد.
ویجایا کوماری و سابیدا ^۱ ، ۲۰۱۵	آگاهی در مدیریت بحران: بررسی آگاهی دانش آموزان مدارس متوسطه در کرالا بر مبنای جنسیت، مکان و تجربه بلایا	نتایج نشان می‌دهد که سطح پایین آگاهی رابطه معناداری با تفاوت‌های جنسیتی و تفاوت‌های محلی مدیریت بلایای طبیعی دارد و همچنین تفاوت قابل توجهی در آگاهی از مدیریت بلایای طبیعی بین کسانی که بلایا را تجربه کرده‌اند با کسانی که آن را تجربه نکردند وجود دارد.
آپینگ و همکاران، ۲۰۰۵	مدیریت فاجعه زلزله در چین	در این مطالعه بر اهمیت آگاهی افراد اشاره شده و دران یک مدل مدیریت در زلزله و همچنین یک برنامه آموزشی جهت آگاه کردن افراد به منظور کاهش اثرات طراحی گردیده و بر لزوم اجرای آن تأکید شده است.
روی و همکاران، ۲۰۱۴	آگاهی جوانان روستایی عاملی برای مدیریت بلایا، بر مبنای جنسیت	نتایج نشان می‌دهد که سطح آگاهی زنان در مقایسه با مردان نسبت به مدیریت بلایا بیشتر بوده و همچنین نتایج مطالعات توصیفی و آزمون همبستگی نشان می‌دهد که افزایش سطح آگاهی وابستگی معناداری به آموزش‌های خانوادگی، سن افراد و همچنین مشارکت‌های مردمی در فرایند مدیریت بلایا دارد.

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

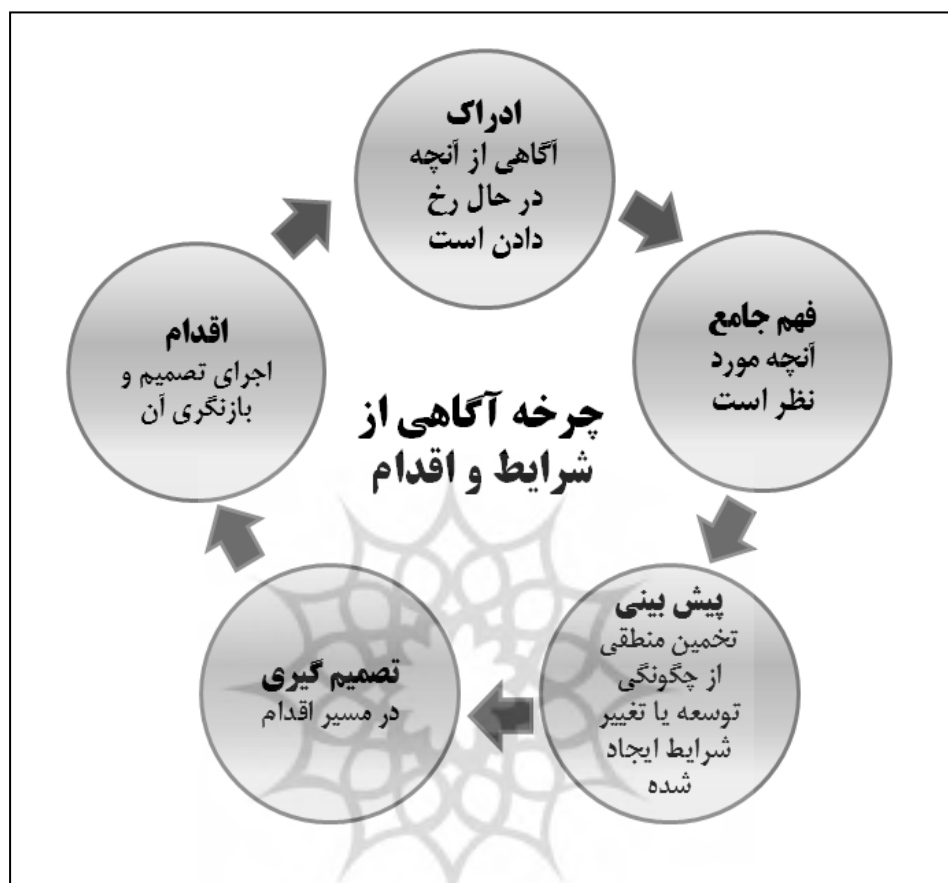
- 1 Vijay, Kumary and Sabida
- 2 Aping and et al
- 3 Roy and et al

۲. ۱. مبانی نظری

عصری که ما در آن زندگی می‌کنیم عصر ارتباطات و اطلاعات نام دارد. در چنین روزگاری دانستن، مزیتی بسیار بزرگ و ندانستن، ضعفی جبران‌ناپذیر خواهد بود. در نظام‌های توسعه‌ای مبتنی بر دانش، آگاهی مؤلفه کلیدی در راهبرد توسعه‌ای تلقی می‌شود؛ بنابراین لازم است الگوهای بومی دانش و آگاهی، فناوری و نوآوری متناسب با شرایط و ظرفیت‌های ویژه برای ایجاد و تقویت ساختار مدیریتی طراحی و اجرا شود (چشم براه و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۷). آگاهی فرایند سازماندهی، تعبیر، تفسیر و ارتباطات اطلاعات است که از سوی حواس جمع‌آوری می‌شود؛ بنابراین اطلاعات مؤلفه صریح دانش (شناخت و آگاهی) است مقوله دانش، شناخت و آگاهی از جمله ابعاد مهم توسعه و بهبود منابع انسانی پایدار محسوب می‌شود و در این ارتباط هاربیسون و مایر توسعه و بهبود منابع انسانی را عبارت از افزایش دانش (آگاهی و شناخت)، مهارت‌ها، ظرفیت‌ها و توانایی‌های همه مردم یک جامعه، تعریف کرده‌اند (محسنی، ۱۳۷۱: ۳۵). برای تعریف دانش و آگاهی در ابتدا باید از داده‌ها صحبت کرد. داده‌ها منبع حیاتی به شمار می‌روند که با بهره‌برداری صحیح از آن‌ها می‌توان آن‌ها را به اطلاعات با معنی تبدیل کرد. بدین ترتیب اطلاعات می‌توانند به دانش و در نتیجه حکمت تبدیل شوند. دانش و آگاهی مجموعه‌ای از شناخت‌ها و مهارت‌های لازم برای حل مساله است، بنابراین اگر اطلاعاتی که در دست است بتواند مشکلی را حل کند می‌توان گفت که دانش و آگاهی وجود دارد. ضمن اینکه آگاهی و دانش لازم باید امکان تبدیل به دستورالعمل اجرایی و عملی شدن داشته باشد (هزار جریبی و محبوبی منش، ۱۳۹۱: ۱۰). در این بین یکی از مواردی که لزوم به کارگیری دانش و آگاهی از الزامات اساسی آن به شمار می‌رود، حیطة مدیریت بحران است. بحران‌ها در انواع و اقسام گوناگون، همواره تأثیرات مهمی بر نواحی دارای پتانسیل بحران، داشته‌اند و دارند. آن‌ها از دیرباز جزء جدایی‌ناپذیر زندگی اجتماعی بوده‌اند و روز به روز بر تعداد و تنوعشان افزوده شده است (روشندل اربطانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۶۴).

بحران حادثه‌ای است که به‌طور طبیعی و یا به‌وسیله خود بشر، ناگهانی و یا به‌صورت فزاینده‌ای به وجود می‌آید و سختی و مشقتی را به جامعه انسانی تحمیل می‌کند که جهت بر طرف کردن آن نیاز به اقدامات اساسی و فوق‌العاده است (غلامحسینی، ۱۳۹۱: ۵۴۴)؛ بنابراین بحران مرحله‌ای در توالی وقایعی است که همه حوادث آینده را تحت تأثیر قرار می‌دهد و اقتصاد، سیاست، فرهنگ، ارتباطات بین‌المللی را بی‌ثبات می‌سازد (سجادی، ۱۳۹۲: ۱۴). این واژه مترادف از هم‌گسیختگی، بی‌نظمی، شکنندگی بیش‌ازحد معمول، تهدید ارزش‌ها، بی‌ثباتی اجتماعی^۰ سیاسی، مخاصمه نظامی و همانند آن تعریف شده است (عبداللهی، ۱۳۹۱: ۳۴). دانش و دسترسی به موقع و موثق به رویدادها و وقایع با پشتیبانی فناوری‌های نوین، از الزامات فرایند مدیریت بحران بوده و با ایجاد اشراف اطلاعاتی که زائده دانش و آگاهی است، نقش

چشمگیری در شناخت تهدیدها، تحلیل مسائل، شناسایی الگوها، تصمیم سازی، و اتخاذ تدابیر مؤثر توسط مراجع برنامه ریز و تصمیم گیرنده دارد (چشم براه و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۷) (شکل ۲).



شکل ۲ چرخه آگاهی و اقدام در شرایط مختلف

نگارندگان، ۱۳۹۵

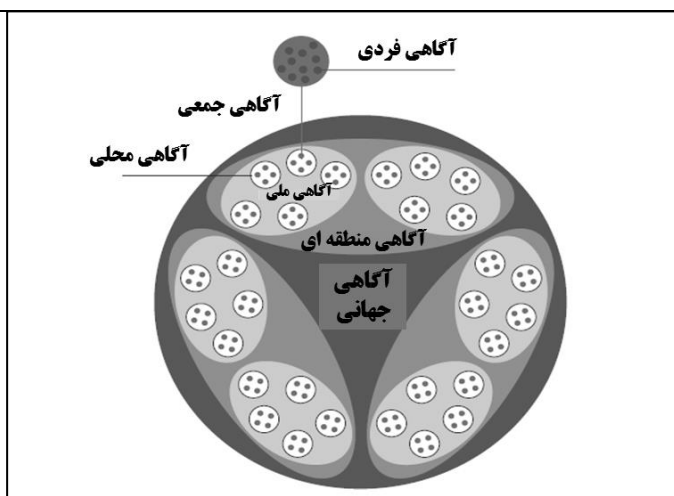
برخلاف مدیریت کلاسیک که عموماً از روش‌های متداول و ساختار یافته استفاده می‌کند، مدیریت بحران عمدتاً مبتنی بر شیوه‌ها و رویکردهای اقتضایی، ابتکاری و هوشمندانه است، و به باور بسیاری، عکس‌العمل‌های بعدی و درازمدت در مقابل بحران است که مفهوم مدیریت بحران را تلقی می‌بخشد (امیری، ۱۳۸۷: ۳۴) و بی شک نیازمند آگاهی و دانش اجتماعات و مدیران آن‌ها در خصوص بحران و نحوه کاهش و مدیریت آن است. در واقع دانش مدیریت بحران عبارتست از مجموعه‌ای از دانش (صریح یا ضمنی، خودآگاه یا ناخودآگاه) که به فرد، گروه یا سازمان امکان پیگیری یا مدیریت اثر یخش بحران یا آثار ناشی از آن را می‌دهد. دانش مدیریت بحران، مجموعه‌ای از دانش است که امکان برنامه‌ریزی برای پیش‌بینی، پیش‌گیری، کنترل، اداره و حل بحران را فراهم می‌سازد. هدف دانش مدیریت بحران تلاش برای

شناسایی و افزایش سطح دانش در خصوص مراحل مدیریت بحران و اقداماتی است که مردم محلی باید در هریک از مراحل بحران از آن آگاهی داشته باشند، آن را فرا بگیرند و متناسب با آن عمل کنند (کاپولا؛ ۲۰۰۷: ۸). امروزه با طرح و تأکید بر دیدگاه‌هایی نظیر رویکردهای اجتماعی مدیریت بحران، بسیاری از وظایف مطرح شده برای مدیران بحران، از حیطه مدیریت کلان فضایی به اجتماعات محلی انتقال یافته است که لزوم ارتقای دانش و آگاهی اجتماعات محلی را ضرورت بخشیده است. سیری در ادبیات مدیریت بحران نشانگر این است که در مقوله مدیریت بحران، سه دیدگاه متمایز وجود دارد:

۱- دیدگاه سنتی: این دیدگاه بحران را اساساً یک پدیده و وضعیت منفی و نامطلوب می‌داند که به هر نحوی باید از آن پرهیز کرد. بر اساس این نگرش، بحران‌های دارای ماهیت کاملاً مخرب و بازدارنده‌اند (میرس؛ ۱۹۸۸: ۴۶).

۲- دیدگاه قانون طبیعی: طرفداران این دیدگاه، بحران را جزئی از طبیعت زندگی بشری می‌دانند که چه بخواهیم و چه نخواهیم رخ می‌دهد، با این تفاوت که نسبت به دیدگاه اول، سعی در انکار و اجتناب از بحران ندارند، بلکه نسبت به آن موضعی کاملاً منطقی بر می‌گزینند.

۳- دیدگاه تعاملی: این دیدگاه نگاهی کاملاً متفاوت نسبت به مقوله بحران دارد و برخلاف دیدگاه‌های قبل، به بحران به دیده‌ی مثبت می‌نگرد و معتقد است که نه تنها نباید آن را نفی و انکار کرد، بلکه در مواقعی نیز باید به استقبال آن رفت. برخلاف دیدگاه اول که دیدگاه سکون و ثبات و دیدگاه دوم که دیدگاه مقابله و واکنش است، دیدگاه تعاملی دیدگاه پویایی، تغییر و تحرک اجتماعی است و بر همین اساس بحران‌ها را بخشی از دیالکتیک اجتماعی می‌داند که برای رشد و توسعه جامعه لازم و ضروری هستند (گیری، ۲۰۰۱). در واقع این دیدگاه بدون ارتقاء دانش و آگاهی اجتماعی بازیگران مختلف و ذینفعان مدیریت بحران تحقق نخواهد یافت و دستیابی به سطوحی از دانش و آگاهی جزء لاینفک تحقق آن می‌باشد. شکل زیر تأثیر سطوح و مقیاس‌های مختلف آگاهی در دستیابی به آگاهی فراگیر از موضوعات مختلف را نشان می‌دهد. همانطور که قابل مشاهده است، آگاهی فردی پایه و اساس دستیابی به سایر سطوح آگاهی می‌باشد (شکل ۳).



شکل ۳ مقیاس‌های و سطوح فراگیری آگاهی و دانش مدیریت بحران

فدراسیون بین‌المللی و جامعه هلال سرخ؛ ۲۰۱۳

بر اساس ماهیت برخورد با بحران در هر مرحله از آن، به دانش خاصی از مدیریت بحران نیاز است و مردم محلی می‌بایست دانش اولیه را در مورد اینکه در هر مرحله از بحران چه اقدامی انجام شود، فرا گیرند. جدول زیر به گام‌های دانش و آگاهی در مراحل مدیریت بحران اشاره می‌نماید.

جدول ۲ جایگاه دانش در مدیریت بحران

فازهای مدیریت بحران	دانش لازم برای مدیریت بحران
فاز پیشگیری	دانش شناسایی مناطق بحرانی و مکانهای پرخطر، دانش مقاومسازی ساختمان‌ها، دانش تشویق بیمه کردن دارایی، دانش ارائه آموزش‌های مقابله با بحران، دانش و آگاهی از نحوه مدیریت کاربری اراضی
فاز آمادگی و مقابله	دانش تشکیل تیم‌های گروهی مدیریت بحران، دانش رهبری مردمی، دانش کار با سیستم‌های هشدار و اطلاع رسانی، دانش نحوه تهیه، ذخیره سازی و توزیع مواد غذایی در شرایط بحرانی، جمع‌آوری اطلاعات، دانش امدادهای اولیه و برقراری ارتباط با مراکز زیربط، مدیریت بازماندگان و مجروحان، تخمین خسارت‌های مالی و جانی، مدیریت حوادث پس از بحران، بسیج عمومی و سازماندهی نیروهای محلی، مدیریت هزینه‌ها، کالاها و خدمات دریافتی، پژوهش، برنامه‌ریزی، ایجاد ساختارهای مدیریتی، آموزش، تأمین منابع، تمرین و مانور،
فاز بازسازی	- دانش بازسازی نخاله‌ها، ضایعات و آلودگی‌ها، دانش بهبود وضعیت اسکان اردوگاه‌های موقت، دانش شناخت محل‌های جدید ساخت بناها و تاسیسات، دانش برآورد میزان خرابی‌ها، دانش نحوه جلب کمک‌ها و اعتبارات بازسازی، دانش مکانیابی مجدد دور از خطر ساخت و سازها و...

منبع: اخوان و درویش زاده، ۱۳۹۰: ۱۵۵، وزین، ۱۳۸۶: ۳۴

در اهمیت عنصر آگاهی همین نکته کافی است که امروزه این ایده که در بین عوامل محرک و بستر ساز برنامه‌های اقدام برای توسعه پایدار روستایی، شاید مهم‌ترین عامل، ادراک و آگاهی ساکنان مناطق روستایی از رویدادهای محیط پیرامونشان باشد، مورد توجه و اتفاق اکثر صاحب نظران و دست اندرکاران برنامه‌ریزی و توسعه روستایی قرار گرفته است. لذا با توجه با مطالعه متون و ادبیات موجود استنباط می‌شود، اغلب پارادایم‌های جدید توسعه پایدار روستایی بر اهمیت نقش آگاه‌سازی و آگاهی روستاییان تأکید دارند و راهبرد مناسب برای این منظور را نیز، اکثریت غالب رهیافت‌های ترویجی - اطلاع رسانی می‌دانند.

به عنوان یک اصل، در توسعه باید بیشتر به ایجاد، پرورش و یا ارتقای آن دسته از متغیرهایی توجه داشت که گسترده‌تر، دائمی‌تر، فناپذیرتر، همگانی‌تر، و مولدتر باشد. در بین همه متغیرهای کیفی ارتقا بخشی عنصر آگاهی، مردمی‌ترین و در عین حال به‌طور ذاتی انحصارناپذیرترین و پایان ناپذیرترین منبع قدرت و ثروت محسوب می‌شود. اهمیت و جایگاه دانش و آگاهی در فرایند توسعه پایدار تا به آن اندازه است که در نهایت از سال ۱۹۸۸-۱۹۹۹م. در گزارش‌های توسعه جهانی (که از طرف بانک جهانی منتشر می‌شود) همواره به آن توجه شده است (فاضل نیا، ۱۳۸۳:۱۱۶). امروزه اکثر صاحب‌نظران فرایند مدیریت بحران به این اذعان دارند که برخورداری از عنصر آگاهی و دانش مواجهه با بحران‌ها و حوادثی که روی می‌دهد مفروضه اصلی در موفقیت مدیریت بحران می‌باشد که از آن به عنوان حلقه گمشده فرایند مدیریت بحران یاد می‌کنند (ایمانی و عمران زاده، ۱۳۸۸: ۱۲). محرومیت جامعه روستایی از تجهیزات مقابله با حوادث و تشکیلات مدیریت بحران یا گروه‌های داوطلب و نیز اقدام دیر هنگام نهادهای مرتبط با مدیریت بحران که در هنگام اضطراب عمدتاً در شهرها مستقر هستند، سبب افزایش خسارات ناشی از وقوع حوادث و بلایای مختلف در روستاها می‌شود. با توجه به روحیه خودکفایی در جامعه روستایی، آگاهی داشتن و برخورداری از دانش لازم در هنگام وقوع بحران‌ها و بلایای مختلف می‌تواند نقش موثری در کاهش خسارات ناشی از وقوع بحران داشته باشد و باعث موفقیت سیستم مدیریت بحران می‌شود (موسوی، ۱۳۹۰: ۳). مدیریت بحران در صورت بهره‌مندی از آگاهی و دانش لازم می‌تواند پیامدهای منفی بحران و مخاطرات را به شدت کاهش دهد و در غیر این صورت، اثر بخشی و کارایی آن بسیار ضعیف خواهد بود (جعفری و همکاران، ۱۳۸۵: ۳۲). دانش و آگاهی لازم از بروز انواع بحران‌ها و نحوه مقابله با آن‌ها در نواحی روستایی می‌تواند از منابع مختلفی اقتباس شود که عبارتند از:

- آموزش که از اهداف آن می‌توان به ارتقاء فرهنگ عمومی گروه‌های کثیری از جوامع انسانی بخصوص روستاییان که از حداقل امکانات مقابله با بحران‌ها بهره‌مند می‌باشند، اشاره کرد، زیرا در مقایسه با ابعاد هنگفت خسارات جانی و مالی حاصل از بحران، هزینه آموزشی روستاییان بسیار ناچیز است. نحوه ارائه برنامه‌های آموزشی مقابله با بحران‌ها می‌تواند شامل: **حضور**: شرکت در کلاس‌ها، دوره‌های آموزشی،

بازدید صحرایی. غیر حضوری: از طریق صدا و سیما (فیلم‌های آموزشی، مستند) کتب و جزوات باشد (شکل ۴).

- استفاده از دانش بومی برای کاهش آسیب پذیری محیطی: روستاییان و کشاورزان همواره بدنبال پیدا کردن راه‌های متنوعی برای کاهش این بلاها و مقابله با آن بوده‌اند و به مرور زندگی خود را با آسیب‌های ناشی از این بلاها تطبیق داده‌اند. سازکارهای مختلفی به شکل کاملاً عملیاتی در مناطق روستایی برای مقابله با بحران‌ها و آسیب‌های محیطی بکار گرفته می‌شود که شاهدی بر این ادعاست. دانش بومی روستاییان منبع تجربی و مطمئنی برای متخصصان مسائل روستایی برای مواجهه با آسیب‌های محیطی در این نواحی است که نه تنها مدیریت مناسب بحران را در پی دارد بلکه هزینه‌های مقابله نیز هم حداقلی است (هانسون و همکاران، ۲۰۰۸: ۲۷).



شکل ۴ نقش آموزش در آماده سازی اجتماعات برای پذیرش فرهنگ مشارکت

نگارندگان، ۱۳۹۵

- مشارکت روستاییان: گروه‌های مردمی منابع ارزشمندی برای اجرای فازهای مدیریت بحران هستند. نقش تسهیل گرایانه دولت و زمینه سازی های ترغیبی و فرهنگ سازانه آن در کنار مشارکت آگاهانه روستاییان می‌تواند به مناسب‌ترین شکل ممکن به مقابله با بحران‌ها و حوادث منتهی می‌گردد. اگر این

مشارکت اتفاق بیفتد روستاییان مبادرت به اقدامات پیشگیرانه چون تشکیل صندوق‌های همیاری بحران‌ها و بیمه خواهند کرد.

- ایجاد مراکز ایمنی در روستاها: ایجاد مراکز ایمنی و امداد و نجات در مراکز روستایی و آگاهی از نحوه کار با تجهیزات و همچنین آگاهی از تدارک امکانات کافی برای ارائه خدمات مناسب به هنگام بروز بلایای طبیعی می‌تواند موفقیت سیستم مدیریت بحران را در پی داشته باشد (سلمانی و ایمانی، ۱۳۸۷: ۵۰).

از آنجایی که جامعه روستایی به عنوان اولین سطح مواجهه با بحران‌ها، بیشترین خسارات و آسیب‌ها را متحمل می‌شوند و از سویی امکانات و زیرساخت‌های نهادی محدود در این فضاها که زمینه حضور عناصر بیرونی مدیریت بحران را در این فضاها به شدت کاهش می‌دهد، در بسیاری از کشورهای دنیا تأکید بر بکارگیری مشارکت و حضور خود اجتماعات در فرایند مدیریت مخاطرات و بحران‌ها مطرح و اجرا می‌شود. رویکرد اجتماع محور در مدیریت بلایا به عنوان نوین‌ترین رویکردهای مدیریت بحران، دارای روندی پایین به بالا است که به مشارکت مردم در حل بحران‌های ناشی از وقوع سوانح طبیعی توجه دارد (رفیعیان و همکاران، ۱۳۹۱: ۸). در میان اهدافی که برای این رویکرد در نظر گرفته شده، ارتقاء آگاهی و شناخت، ظرفیت مردم محلی برای سازگاری با خطرهای ناشی از بلایای طبیعی، اهمیت بیشتری دارند.

در سال‌های اخیر بسیاری از اجتماعات روستایی کشور ما، با پدیده اقلیمی گرمایش و خشکسالی دست و پنجه نرم می‌کنند و به واسطه وقوع این بحران خزننده، خسارت‌های کشاورزی، کاهش درآمد، بیکاری و مهاجرت از نواحی روستایی به سوی شهرها در پی یافتن فرصت‌های شغلی بهتر و یا در شرایط خوشبینانه تری تغییر محصولات کشت به سوی محصولات کمتر نیازمند به آبیاری روستاها را با مخاطرات ناپایداری بسیاری مواجه ساخته است که میزان آسیب‌پذیری آن‌ها را افزایش خواهد داد. در واقع این جوامع در خط مقدم تهدیدات خشکسالی قرار دارند و هرگونه طرحی برای مدیریت بحران خشکسالی به مانند یکی از محورهای بنیادین مدیریت روستایی می‌بایست با اولویت بخشی به توانمندسازی جوامع روستایی در زمینه آگاهی و شناخت بحران‌هایی همانند خشکسالی، راه‌های مقابله با این نوع بحران که استراتژی‌های متنوع درآمدی می‌باشد آن‌ها را در این مسیر رهنمون سازد. اولین گام برای مقابله با بحران خشکسالی در نواحی روستایی و تعدیل اثرات آن، آگاهی، شناخت و درک دقیق واقعیت خشکسالی، بویژه علل وقوع و اثرات متقابل پیامدها و علل چندگانه آن است و گام بعدی، اتخاذ راهبردها و انتخاب راهکارهایی است که بر اساس آن بتواند با پیامدهای این پدیده، مقابله و اثرات زیانبار آن را مهار نموده و یا کاهش داد. براساس آنچه در بالا بیان شد، در راستای سنجش میزان آگاهی روستاییان در برابر بحران‌هایی نظیر بحران خشکسالی می‌توان شاخص‌ها و متغیرهایی به شرح زیر را مطرح نمود.

جدول ۳ شاخص‌ها و متغیرهای سنجش میزان آگاهی و دانش روستاییان در برابر بحران خشکسالی

ابعاد	متغیر	شاخص
پیشگیری	شناخت مخاطره و اثرات	آگاهی از علائم مخاطره خشکسالی
		آگاهی از اثرات مخاطره خشکسالی
		آگاهی از مناطق تحت تأثیر مخاطره خشکسالی
	پیش‌بینی و هشدار در زمینه مخاطره	پیش‌بینی از پیش‌بینی
		روش‌های هشدار
	اقدامات پیشگیرانه در کاهش آسیب‌ها	آگاهی از الگوهای آبیاری
		آگاهی تغییر الگوی کشت
		آگاهی از بیمه محصولات
		آگاهی از نحوه مدیریت مصرف آب
آگاهی از منابع آب زیرزمینی		
آمادگی	تأمین منابع واکنش و روبرویی	آگاهی از منابع ذخیره آب و نحوه تأمین آن برای مواقع اضطراری
		آگاهی از پس انداز مالی برای زمان تشدید خشکسالی
		آگاهی از راه‌های تأمین مواد غذایی و ... در شرایط تشدید خشکسالی
		تجربه و دانش خشکسالی
بازسازی	منابع درآمدی جایگزین	آگاهی از مشاغل و فرصت‌های جایگزین (باغداری)
		آگاهی از مشاغل و فرصت‌های جایگزین (دامداری)
		آگاهی از روش‌های غیر زراعی کسب درآمد (صنایع دستی)
	بازسازی خسارات	آگاهی از روش‌های بازسازی بخش دامداری
		آگاهی از روش‌های بازسازی بخش کشاورزی
		آگاهی از روش‌های بازسازی منابع آب زیرزمینی
مدیریت مصرف	آگاهی از روش‌های بازسازی زیرساخت‌های خدماتی	
	آگاهی از شیوه‌های سازماندهی مصرف آب	
نهادی-مدیریتی	حمایت‌های نهادی	آگاهی از اعتبارات مرتبط
		شناخت نهادهای مسئول
	عملکرد مدیران محلی	آگاهی از وظایف دهیاران

منبع: اخوان و درویش زاده، ۱۳۸۹؛ سجاسی و همکاران، ۱۳۹۳؛ صادقلو و عزیزی، ۱۳۹۴؛ افتخاری و همکاران،

۱۳۹۳؛ صادقلو و همکاران، ۱۳۹۳؛ و ...

۲. مواد و روش‌ها

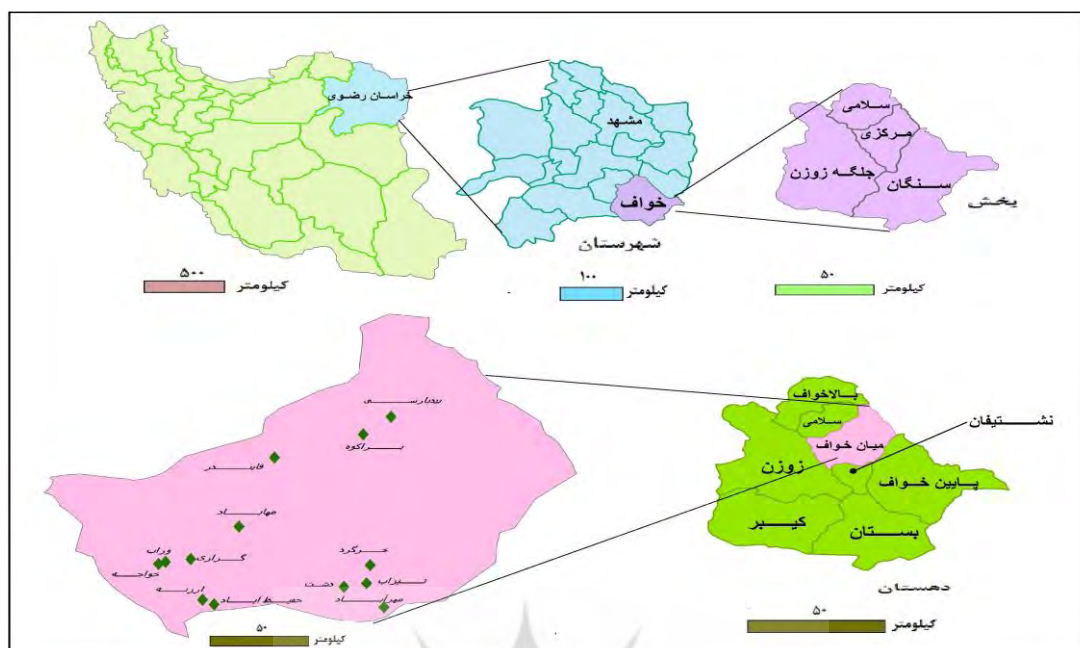
مطالعه حاضر با رویکرد توصیفی^۱ تحلیلی و ماهیت کاربردی به دنبال بررسی و سنجش میزان آگاهی و دانش مدیریت بحران خشکسالی میان خانوارهای روستایی دهستان میان خواف شهرستان خواف است، که دو گام اساسی را دربرمی گیرد: ۱. تعیین شاخص‌ها و معیارهای سنجش دانش مدیریت بحران میان خانوارهای روستایی که با استفاده از تحقیق و مطالعات کتابخانه‌ای^۲ اسنادی صورت گرفته است و ۲. مطالعات میدانی به شیوه پیمایشی پرسشنامه انجام شده است. این پرسشنامه در بردارنده ۶۴ گویه در قالب ۴ بعد مدیریت بحران، مستخرج از چارچوب نظری برای سنجش سطح دانش روستاییان در مدیریت بحران خشکسالی بود. ابزار سنجش مسئولیت پذیری اجتماعی در بین خانوارهای روستایی روستاهای مورد مطالعه بر اساس رویکرد روانشناختی با مقیاس پنج گزینه‌ای لیکرت (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد) طراحی شد و برای بررسی پایایی، از شیوه آلفای کرونباخ استفاده شده است. پایایی کلی پرسشنامه برابر ۰,۸۰۵ است. همچنین با توجه به نتایج آزمون آلفاکرونباخ، موردی در پرسشنامه وجود ندارد که با حذف آن، پایایی پرسشنامه به اندازه معناداری افزایش یابد. در نهایت براساس روش مزبور، پایایی هر یک از مقیاس‌های پنج گانه برآورد شد (جدول ۴).

جدول ۴ پایایی ابعاد چهارگانه دانش مدیریت بحران خشکسالی

متغیر اصلی	ابعاد	تعداد گویه	ضریب پایایی
دانش مدیریت بحران	پیش‌گیری	۲۶	۰,۸۰۸
	آمادگی	۱۴	۰,۷۷۹
	بازسازی	۱۶	۰,۷۷۷
	نهادی- مدیریتی	۸	۰,۷۷۵
اعتبار کلی		۶۴	۰,۷۸۴

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

همچنین به منظور اطمینان از روایی پرسشنامه، ده تن از اساتید متخصص دانشگاهی، مسئولین بخش‌داری و مهندسین جهاد کشاورزی شهرستان خواف پس از مطالعه عمیق سؤال‌های پرسشنامه نظرات خود را اعلام کردند که پس از بحث و بررسی و اصلاحات مورد نظر، روایی پرسشنامه تأیید شد. بعد از تدوین پرسش‌نامه، برای به دست آوردن اطلاعات مورد نیاز از طریق ارتباط مستقیم و حضوری با خانوارهای روستایی، داده‌ها جمع‌آوری شدند. جامعه آماری مطالعه را کلیه روستاهای دهستان میان خواف شهرستان خواف، تشکیل می‌دادند (شکل ۶).



شکل ۶ موقعیت منطقه مورد مطالعه منبع

یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

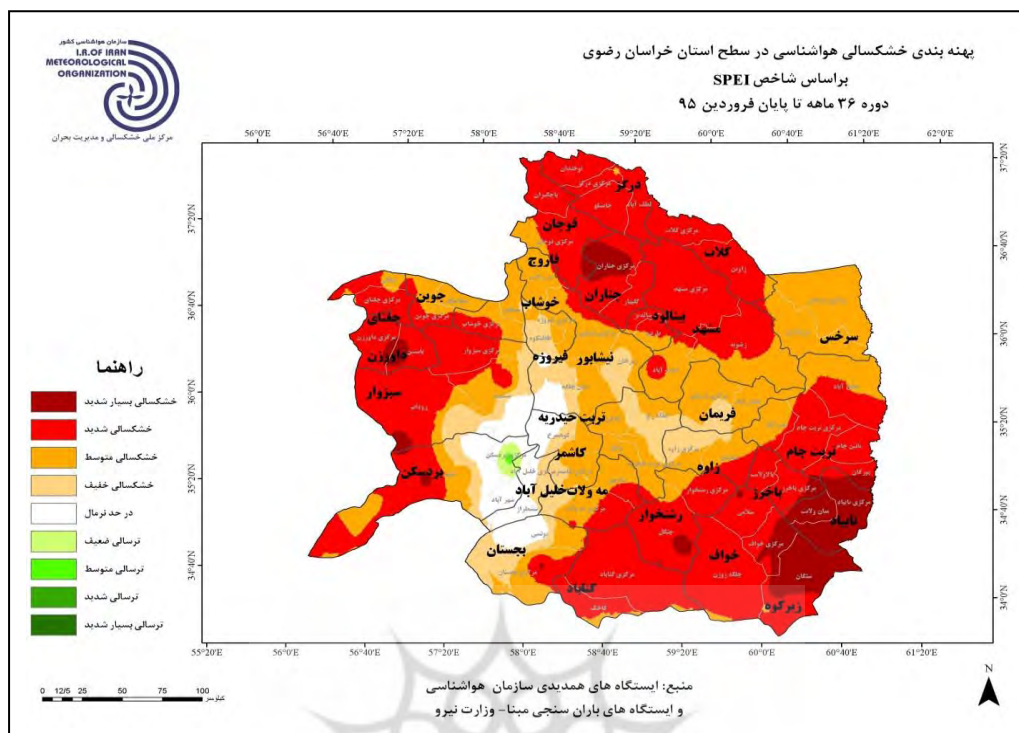
تعیین حجم نمونه طی دو مرحله انجام گرفته است. در مرحله اول تعداد روستاهای مورد مطالعه محاسبه و تعیین گردید و در مرحله دوم تعیین حجم نمونه از میان تعداد خانوارهای ساکن اقدام شده است. در این دهستان ۱۵ روستا وجود دارد که باتوجه به وجود روستای زیر ۲۰ خانوار (۲ روستا حذف شده)، ۱۳ روستاها باقی مانده به عنوان روستاهای مورد مطالعه، مبنای تعیین حجم نمونه و تکمیل پرسشنامه قرار گرفت است. در گام بعدی تعداد مجموع خانوار این ۱۳ روستا از طریق فرمول مبنای محاسبه حجم نمونه برای تکمیل پرسشنامه قرار گرفت که خانوار این ۱۳ روستا که در جدول ۴ مشخص شده‌اند، در این مجموع طبق آمار سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰ دارای ۱۹۶۴ خانوار می‌باشند که از طریق فرمول کوکران با خطای ۶ درصد، حجم نمونه ۲۳۵ خانوار به دست آمد. اما به دلیل آنکه در مورد روستاهایی که جمعیت آنها کمتر از ۱۰۰ خانوار بودند و براساس فرمول کوکران تعداد نمونه کمتر از ۱۰ نفر نمی‌تواند بیانگر وضعیت باشد، بنابراین برای به دست آوردن نمونه کافی برای روستاهای کمتر از ۱۰۰ خانوار حداقل لازم یعنی ۱۰ نمونه در نظر گرفته شد و در نتیجه تعداد کل نمونه به ۲۶۰ خانوار افزایش یافت و به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با هر طبقه از بخش مرکزی شهرستان خواف انتخاب و مورد پرسشگری قرار گرفتند (جدول ۵).

جدول ۵ توزیع نمونه‌ها در روستاهای سه بخش مرکزی، سنگان و سلامی

بخش	دهستان	روستا	تعداد خانوار	تعداد نمونه	اصلاح نمونه
مرکزی	میان خواف	تیزاب	۲۶۶	۳۱,۸۲	۳۲
		مهرآباد	۵۲۴	۶۲,۶۹	۶۳
		خرگرد	۳۶۱	۴۳,۱۹	۴۳
		ارزنه	۶۶	۷,۸۹	۱۰
		حفیظ آباد	۵۶	۶,۷	۱۰
		خواجه	۷۸	۹,۳۳	۱۰
		دشت	۳۰	۳,۵۸	۱۰
		گرازی	۸۶	۱۰,۲۹	۱۱
		مهآباد	۳۴	۴,۰۶	۱۰
		وراب	۸۷	۱۰,۴۰	۱۱
		براکوه	۵۷	۶,۸۲	۱۰
		فایندر	۲۵۲	۳۰,۱۵	۳۰
		بیدپارسی	۶۶	۷,۸۹	۱۰
		جمع	-	-	۱۹۶۴

۳. منطقه مورد مطالعه

دهستان میان خواف از توابع بخش مرکزی شهرستان خواف در استان خراسان رضوی است و طبق سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ جمعیتی برابر با ۸۵۳۷ نفر و ۱۹۹۱ خانوار و ۱۵ روستا دارد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). این دهستان در شرق و شمال شرق به شهرستان تایباد، از جنوب به دهستان پایین خواف شهرستان خواف و از شمال به دهستان بالاخواف و از غرب به دهستان زوزن محدود شده و ارتفاع آن از سطح دریا ۹۵۰ متر تا ۱۲۷۰ متر در نوسان است. میانگین بارندگی شهرستان خواف ۱۴۲,۲ میلی متر یعنی حدود ۸۳ در تا میانگین دنیا و ۳۵ درصد تا میانگین ایران فاصله دارد و براساس ضریب دمارتن نوع آب و هوای آن فراخشک می‌باشد (میرزاده اسدآبادی، ۱۳۹۰: ۵۷ و ۶۷). این دهستان مانند سایر دهستان‌های شهرستان خواف با بحران خشکسالی مواجه می‌باشد و هر ساله خسارات‌های اقتصادی و اجتماعی زیادی را متحمل می‌شود. شکل (۵)، تکمیل کننده این مطلب می‌باشد که شهرستان خواف و بالاخص دهستان میان خواف این شهرستان در یک دوره ۳۶ ماه تا پایان فروردین ماه ۱۳۹۵ قسمت اعظم آن با خشکسالی بسیار شدید و قسمت اندکی با خشکسالی شدید روبه رو بوده است.



شکل ۵ پهنه بندی خشکسالی هواشناسی در سطح استان خراسان رضوی و شهرستان خواف

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده با توجه به اهداف و سؤالات پژوهش، از آمار توصیفی (جدول توزیع فراوانی، درصد فراوانی، درصد فراوانی تجمعی و میانگین) و آمار استنباطی (ضریب همبستگی و آزمون‌های واریانس یک طرفه و T تک نمونه‌ای) و مدل‌های اولویت‌بندی (مدل کوپراس) استفاده گردید. به این منظور، از نرم افزار Spss20 استفاده شد.

۴. نتایج و بحث

توصیف یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که نمونه آماری مورد مطالعه بر حسب گروه سنی، در محدوده سنی ۱۸ الی ۶۵ سال قرار دارند. بیشترین تعداد نمونه در گروه سنی ۲۱ الی ۳۰ سال قرار دارند. بررسی ویژگی‌های سنی اعضاء نمونه مشخص کرد که گروه سنی ۲۱ الی ۳۰ سال با ۳۸٫۸ درصد در بالاترین رده و گروه سنی کمتر از ۲۰ سال با ۰٫۸ درصد در پایین‌ترین رده قرار دارند بررسی وضعیت جنسیت نیز نشان داد ۷۱٫۹ درصد (۱۸۷ نفر) مرد و ۲۸٫۱ درصد (۷۳ نفر) در تحقیق حاضر زن هستند. بررسی سطح تحصیلات نیز مشخص کرد که ۳۸٫۸ درصد (۱۰۱ نفر) نمونه دارای مدرک دیپلم هستند و ۱٫۹ درصد (۵ نفر) نمونه بی‌سواد و کمترین تعداد نمونه را دارا می‌باشد. وضعیت شغلی افراد نمونه مشخص کرد که بیشترین

حجم افراد نمونه را رده شغلی آزاد با ۵۱,۵ درصد (۱۳۴ نفر)، دارا می باشد و به ترتیب شغل های کشاورزی، کارمند، دامداری و محصل در رتبه های بعدی قرار دارند. ابزار و منبع آگاهی افراد نمونه درباره بحران خشکسالی در پرسشنامه محقق ساخته با گزینه های، رسانه جمعی (تلویزیون، کتاب، روزنامه)، سالمندان و کشاورزان قدیمی، نهادهای مرتبط با امور کشاورزی، دهیاری ها و سایر موارد پرسشگری شد که بیشتر افراد نمونه رسانه های جمعی را ابزار آگاهی از بحران خشکسالی معرفی کردند (جدول ۶).

جدول ۶ ویژگی های عمومی کشاورزان نمونه (منبع: یافته های پژوهش، ۱۳۹۵)

ویژگی عمومی	گروه ها	فراوانی مطلق هر گروه	درصد فراوانی	ویژگی عمومی	گروه ها	فراوانی مطلق هر گروه	درصد فراوانی
جنسیت	مرد	۷۳	۲۸,۱	گروه های سنی	کمتر ۲۰ سال	۲	۰,۸
	زن	۱۸۷	۷۱,۹		۲۱-۳۰ سال	۱۰۱	۳۸,۸
	جمع	۲۶۰	۱۰۰,۰		۳۱-۴۰ سال	۶۱	۲۳,۵
سطح تحصیلات	بی سواد	۵	۱,۹	شغل	۴۱-۵۰ سال	۵۶	۲۱,۵
	ابتدایی	۵۳	۲۰,۴		۵۱ و بالاتر	۴۰	۱۵,۴
	سیکل	۴۷	۱۸,۱		جمع	۲۶۰	۱۰۰,۰
	دیپلم	۱۰۱	۳۸,۸		کشاورزی	۵۶	۲۱,۵
	فوق دیپلم	۱۶	۶,۲		دامداری	۲۵	۹,۶
	لیسانس و بالاتر	۳۸	۱۴,۶		کارمند	۴۳	۱۶,۵
ابزار آشنایی با خشکسالی	جمع	۲۶۰	۱۰۰,۰	محصل	۲	۰,۸	
	رسانه ها	۲۰۷	۷۹,۶	آزاد	۱۳۴	۵۱,۵	
	سالمندان روستا	۲۷	۱۰,۴	جمع	۲۶۰	۱۰۰,۰	
	نهادهای مرتبط	۱۶	۶,۲				
	دهیار و مدیران	۱۰	۳,۸				
جمع	۲۶۰	۱۰۰					

همان گونه که توضیح داده شد، سطح آگاهی روستاییان درباره مدیریت بحران خشکسالی با استفاده از پرسش های مختلفی مورد سنجش قرار گرفت (۶۴ سؤال با طیف لیکرت). جدول (۷)، میانگین رتبه های، درصد و فراوانی گویه های مرتبط با سنجش آگاهی درباره مدیریت بحران خشکسالی در روستاهای مورد مطالعه را نشان می دهد.

جدول ۷ میانگین و درصد گویه‌های آگاهی و دانش مدیریت بحران خشکسالی

میانگین	خیلی زیاد		زیاد		متوسط		کم		خیلی کم		متغیر
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۲,۵۳۴	۰	۰	۱۲,۳	۳۲	۷۳,۸	۱۹۲	۱۳,۱	۳۴	۰,۸	۲	شناخت مخاطره و اثرات
۲,۵۹۸	۰	۰	۰	۰	۱۲,۷	۳۳	۷۱,۲	۱۸۵	۱۶,۲	۴۲	پیش‌بینی و هشدار مخاطره
۲,۳۱۲	۰	۰	۰	۰	۰,۸	۲	۸۱,۹	۲۱۳	۱۶,۹	۴۴	اقدامات پیشگیرانه
۲,۱۵۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۶۱,۵	۱۶۰	۳۸,۵	۱۰۰	تأمین منابع واکنش و رویارویی
۲,۱۷۸	۰	۰	۰	۰	۰,۸	۲	۵۶,۵	۱۴۷	۴۲,۷	۱۱۱	منابع درآمدی جایگزین
۲,۳۹۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۸۳,۸	۲۱۸	۱۶,۲	۴۲	بازسازی خسارات
۲,۳۶۷	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۸۰,۰	۲۰۸	۱۹,۲	۵۰	مدیریت مصرف
۲,۵۱۹	۰	۰	۰	۰	۹,۲	۲۴	۷۹,۶	۲۰۷	۱۱,۲	۲۹	حمایت‌های نهادی
۲,۶۲۸	۰	۰	۱۲,۷	۳۳	۶۷,۳	۱۷۵	۱۸,۱	۴۷	۱,۹	۵	عملکرد مدیران محلی

یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

یافته‌های استنباطی

در بخش یافته‌های استنباطی، با استفاده از نتایج حاصل از تکمیل پرسشنامه به تحلیل و سنجش سطح دانش و آگاهی روستاییان درباره مدیریت بحران خشکسالی در چهار بعد پیش‌بینی، آمادگی، بازسازی و نهادی - مدیریتی و از طریق مجموعه شاخص‌ها و پرسش‌ها پرداخته شد.

برای تحلیل و شناسایی وضعیت موجود دانش مدیریت بحران خشکسالی بین روستاییان (سؤال و فرضیه اول)، آزمون T تک نمونه‌ای انجام شد. بنابر نتایج آزمون T تک نمونه‌ای می‌توان گفت که دانش و آگاهی درباره مدیریت بحران خشکسالی بین روستاییان روستاهای مورد مطالعه پایین‌تر از حد متوسط (۳) است به‌ویژه در دو متغیر تأمین منابع واکنش و رویارویی منابع درآمدی جایگزین که نسبت به سایر متغیرها میانگین به دست آمده پایین‌ترین میزان است. این نکته نشان دهنده ضرورت توجه جدی به آموزش روستاییان به عنوان حلقه اولیه و پایه در هنگام وقوع و بازسازی بحران است.

جدول ۸ میانگین و سطح معناداری متغیرهای دانش مدیریت بحران خشکسالی روستاییان (آزمون T)

متغیرها	میانگین	نمره T	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت از حد مطلوب	
					ضرب اطمینان ۹۵٪	کران پایین / کران بالا
شناخت مخاطره و اثرات	۲,۵۳۴	-۱۶,۸۷۶	۱۲	۰,۰۰۰	-۰,۴۶۶۰۳	-۰,۵۲۰۴ / -۰,۴۱۱۶
پیش‌بینی و هشدار مخاطره	۲,۵۹۸	-۱۲,۲۲۸	۱۲	۰,۰۰۰	-۰,۴۰۱۹۲	-۰,۴۶۶۶ / -۰,۳۳۷۲
اقدامات پیشگیرانه	۲,۳۱۲	-۲۹,۵۱۹	۱۲	۰,۰۰۰	-۰,۶۸۷۵۶	-۰,۷۳۳۴ / -۰,۶۴۱۷
تأمین منابع واکنش و رویارویی	۲,۱۵۰	-۴۵,۶۸۵	۱۲	۰,۰۰۰	-۰,۸۴۹۵۲	-۰,۸۸۶۱ / -۰,۸۱۲۹
منابع درآمدی جایگزین	۲,۱۷۸	-۳۵,۷۴۲	۱۲	۰,۰۰۰	-۰,۸۲۱۱۵	-۰,۸۶۶۴ / -۰,۷۷۵۹
بازسازی خسارات	۲,۳۹۱	-۳۲,۸۲۸	۱۲	۰,۰۰۰	-۰,۶۰۸۶۵	-۰,۶۴۵۲ / -۰,۵۷۲۱
مدیریت مصرف	۲,۳۶۷	-۲۵,۲۹۱	۱۲	۰,۰۰۰	-۰,۶۳۳۰۱	-۰,۶۸۲۳ / -۰,۵۸۳۷
حمایت‌های نهادی	۲,۵۱۹	-۱۹,۱۸۰	۱۲	۰,۰۰۰	-۰,۴۸۰۷۷	-۰,۵۳۰۱ / -۰,۴۳۱۴
عملکرد مدیران محلی	۲,۶۲۸	-۱۱,۰۸۹	۱۲	۰,۰۰۰	-۰,۳۷۱۱۵	-۰,۴۳۷۱ / -۰,۳۰۵۲
دانش و آگاهی مدیریت خشکسالی	۲,۳۹۹	-۵۲,۶۶۵	۱۲	۰,۰۰۰	-۰,۶۰۰۱۶	-۰,۶۲۲۶ / -۰,۵۷۷۷

یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

در مرحله بعد، به منظور بررسی رابطه بین برخی متغیرهای فردی و عمومی با متغیر وابسته یعنی سطح دانش و آگاهی مدیریت بحران خشکسالی بین روستاییان به تناسب و برحسب نوع متغیر از ضرایب همبستگی و همچنین برای روشن تر شدن رابطه بین متغیرهای سن و اشتغال با دانش مدیریت بحران خشکسالی از آزمون T با دو نمونه مستقل استفاده گردید (جدول ۹). همانطوری که در جدول (۹) مشاهده می‌شود، میانگین دانش مدیریت بحران خشکسالی به‌طور کلی برای افراد با سن کمتر از ۳۰ سال و افراد با سن بیشتر از ۳۰ سال به ترتیب ۲,۴۱ و ۲,۵۴ می‌باشد. این امر حکایت از آن دارد میزان دانش و آگاهی افراد مسن تر بیشتر از جوانان و افراد با سن کمتر از ۳۰ سال است و تفاوت مشاهده شده براساس سطح معناداری ((۰,۰۱۹)) که از آلفای ۰,۰۵ کمتر است) از لحاظ آماری معنادار می‌باشد. به زعم نگارندگان این تفاوت از بهره‌گیری افراد مسن تر از دانش بومی نسبت به جوانان که از دانش بومی فاصله گرفته‌اند و گستردگی فراگیری علوم مختلف در گذشته نسبت به حال که علوم کسب شده توسط افراد تخصصی شده و به حیطة خاصی محدود شده، ناشی می‌شود. همان طور که مشاهده می‌شود، میانگین دانش مدیریت بحران به‌طور کلی برای افراد با شغل‌های متخلف کشاورزی، دامداری، کارمند، محصل و آزاد به ترتیب ۲,۴۳، ۲,۴۰، ۲,۳۸، ۲,۳۷ و ۲,۳۷۳ می‌باشد. این امر نشان دهنده وجود تفاوت افراد نمونه در برخورداری دانش مدیریت بحران خشکسالی برحسب متغیر اشتغال آنان می‌باشد که، افراد با شغل‌های کشاورزی و دامداری نسبت به افراد با

شغل‌های کارمندی و آزاد از دانش و آگاهی مدیریت بحران بیشتر برخوردارند و تفاوت مشاهده شده براساس سطح معناداری ((۰,۰۰۳) که از آلفای ۰,۰۱ کمتر است) از لحاظ آماری معنادار می‌باشد. متغیر سطح تحصیلات خانوارهای روستایی مورد مطالعه با دانش مدیریت بحران در آنان رابطه منفی معنی داری دارد؛ یعنی با بالا رفتن متغیر سطح تحصیلات، می‌توان انتظار داشت که دانش مدیریت بحران خشکسالی کمتر باشد. این نتیجه تأمل برانگیز بوده و نیاز به توجیه دارد. شاید بتوان گفت که سطح تحصیلات به این خاطر ارتباطی منفی با سطح دانش مدیریت بحران دارد که در متون و کتب درسی دانش مدیریت بحران آموزش داده نمی‌شود؛ بنابراین نمی‌توان انتظار داشت که افراد بدون کسب معلومات و دانش مدیریت بحران، با آن به خوبی مقابله نمایند. همانطور که مشاهده می‌شود رابطه معناداری بین متغیر جنسیت و دانش مدیریت بحران وجود ندارد (جدول ۱۰).

جدول ۹ تفاوت میانگین دانش مدیریت بحران خشکسالی بر حسب ویژگی‌های فردی

متغیر مستقل	گزینه‌ها	میانگین	انحراف معیار	مقدار آزمون T	سطح معناداری
سن	از کمتر ۳۰ سال	۲,۴۱	۰,۵۹	۶,۰۲	۰,۰۱۹
	بالتر از ۳۰ سال	۲,۵۴	۰,۵		
شغل	کشاورزی	۲,۴۳۶۴	۰,۲۲۱۴۹	۲,۳۹	۰,۰۰۳
	دامداری	۲,۴۰۳۰	۰,۰۲۰۸۷		
	کارمند	۲,۳۸۰۴	۰,۲۲۵۰۷		
	محصل	۲,۳۷۱۹	۰,۱۸۱۳۱		
	آزاد	۲,۳۷۳۱	۰,۱۶۴۳۲		

یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

جدول ۱۰ همبستگی میان ویژگی‌های عمومی و حرفه‌ای اعضای نمونه و سطح دانش مدیریت بحران خشکسالی

متغیر مستقل	نوع متغیر	متغیر وابسته	نوع متغیر	آزمون	ضریب همبستگی	سطح معناداری
سطح تحصیلات	رتبه‌ای	دانش مدیریت بحران	رتبه‌ای	اسپیرمن	* -۰,۱۴۴	۰,۰۳۶
جنس	اسمی	دانش مدیریت بحران	رتبه‌ای	اسپیرمن	-۰,۰۶۴	۰,۳۰۸

سطح معناداری کمتر یا مساوی ۰,۰۵ * منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

در این پژوهش به منظور بررسی تفاوت میان ویژگی‌ها و مؤلفه‌های ابعاد چهار گانه دانش مدیریت بحران خشکسالی خانوارهای روستایی مورد مطالعه و مقایسه بین روستاهای مورد مطالعه در میانگین سطح دانش مدیریت بحران خشکسالی و مؤلفه‌های آن، از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه ANOVA

استفاده شده است. در این آزمون، فرض صفر عبارت از عدم وجود تفاوت معناداری میان روستاهای مورد مطالعه در خصوص برخورداری از هریک ویژگی‌ها و مؤلفه‌های ابعاد دانش مدیریت بحران خشکسالی و فرض خلاف بیانگر وجود تفاوت معناداری بین روستاهای مورد مطالعه بوده است. نتایج محاسبات ANOVA در جدول (۱۱) خلاصه شده است.

جدول ۱۱ آزمون واریانس یک طرفه (آنوا) برای تعیین تفاوت معنادار در برخورداری از ویژگی‌های ابعاد چهارگانه دانش مدیریت بحران

سطح معناداری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	
۰,۰۰۱	۲,۸۵۱	۰,۰۸۹	۱۲	۱,۰۶۴	درون گروهی
		۰,۰۳۱	۲۴۷	۷,۶۸۱	برون گروهی
			۲۵۹	۸,۷۴۵	جمع

درکل بین خانوارهای روستایی در برخورداری از دانش مدیریت بحران خشکسالی براساس نتایج جدول (۱۱) تفاوت معنادار وجود دارد. در این پژوهش به منظور بررسی تفاوت میان مؤلفه‌های ابعاد دانش مدیریت بحران و مقایسه میان روستاهای مورد مطالعه از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه بهره گیری شده است. در این آزمون فرض صفر عبارت از عدم وجود تفاوت بین کل خانوارهای روستایی روستاهای مورد مطالعه از لحاظ برخورداری از ویژگی‌ها و مؤلفه‌های مدیریت بحران و فرض خلاف عبارت از وجود تفاوت بین خانوارهای روستایی روستاهای مورد مطالعه است. با توجه به میزان F و سطوح معناداری به دست آمده که در جدول (۱۲) در ارتباط با خانوارهای روستایی ارائه شده است، به این دلیل که فقط سطوح معناداری مربوط به مؤلفه‌های شناخت مخاطره و اثرات، پیش‌بینی و هشدار در زمینه مخاطره، اقدامات پیشگیرانه در کاهش آسیب‌ها، تأمین منابع واکنش، منابع درآمدی جایگزین، مدیریت مصرف و عملکرد مدیران محلی، کمتر از سطح آلفای ۰,۰۵ است، در نتیجه فرض‌های صفر مربوط به این آزمون رد می‌شود. به تعبیر دیگر، بین کل خانوارهای روستایی روستاهای مورد مطالعه در خصوص برخورداری از مؤلفه‌های یاد شده تفاوت معنادار وجود دارد، اما بین کل خانوارهای روستایی روستاهای مورد مطالعه در خصوص برخورداری از مؤلفه‌های بازسازی خسارت و حمایت‌های نهادی، براساس میزان F و سطوح معناداری به دست آمده، تفاوت معناداری که ناشی از روستاهای مختلف باشد، مشاهده نگردیده است.

جدول ۱۲ نتایج آزمون واریانس یک طرفه برای مؤلفه‌های دانش مدیریت بحران خشکسالی

ابعاد	مؤلفه‌ها	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
پیش‌بینی	شناخت مخاطره و اثرات	درون گروهی	۱۲	۰,۲۹۸	۲,۵۳۹	۰,۰۰۷
		برون گروهی	۲۴۷	۰,۱۹۳		
		جمع	۲۵۹			
	پیش‌بینی و هشدار مخاطره	درون گروهی	۱۲	۰,۲۵۰	۲,۵۲۸	۰,۰۰۳
		برون گروهی	۲۴۷	۰,۰۹۰		
		جمع	۲۵۹			
اقدامات پیشگیرانه	درون گروهی	۱۲	۰,۴۴۵	۲,۵۷۹	۰,۰۰۲	
	برون گروهی	۲۴۷	۰,۱۴۶			
	جمع	۲۵۹				
آمادگی	تأمین منابع واکنش و رویارویی	درون گروهی	۱۲	۰,۲۶۱	۳,۲۰۰	۰,۰۰۰
		برون گروهی	۲۴۷	۰,۰۸۲		
		جمع	۲۵۹			
	منابع درآمدی جایگزین	درون گروهی	۱۲	۰,۳۵۴	۲,۷۹۵	۰,۰۰۱
		برون گروهی	۲۴۷	۰,۱۲۷		
		جمع	۲۵۹			
بازسازی	بازسازی خسارات	درون گروهی	۱۲	۰,۰۸۶	۰,۹۶۶	۰,۴۸۲
		برون گروهی	۲۴۷	۰,۰۹۰		
		جمع	۲۵۹			
	مدیریت مصرف	درون گروهی	۱۲	۰,۳۶۴	۲,۷۹۶	۰,۰۰۱
		برون گروهی	۲۴۷	۰,۱۲۶		
		جمع	۲۵۹			
نهادی - مدیریتی	حمایت‌های نهادی	درون گروهی	۱۲	۰,۲۴۱	۱,۵۰۷	۰,۱۲۲
		برون گروهی	۲۴۷	۰,۱۶۰		
		جمع	۲۵۹			
	عملکرد مدیران محلی	درون گروهی	۱۲	۱,۰۵۰	۴,۱۳۰	۰,۰۰۰
		برون گروهی	۲۴۷	۰,۲۵۴		
		جمع	۲۵۹			

یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

با توجه به مشخص شدن وجود تفاوت بین روستاهای مورد مطالعه به لحاظ برخورداری از هر یک از شاخص‌های مورد مطالعه، در ادامه تلاش گردید تا با استفاده از روش اولویت بندی کوپراس، به عنوان یکی از روش‌های تصمیم‌گیری چند معیاره، به اولویت بندی روستاها به لحاظ سطح دانش مدیریت بحران خشکسالی در بین نمونه‌ها پرداخته شود.

برای این منظور دو گام اساسی: - تشکیل ماتریس میانگین شاخص‌ها و - محاسبه اوزان انجام شد و براساس گام‌های محاسباتی روش کوپراس، تکنیک اجرا شد. در گام اول، برای سنجش و اولویت‌بندی سطح دانش و آگاهی روستاییان درباره مدیریت بحران خشکسالی در روستاهای مورد مطالعه، ۹ قلمرو شامل شناخت مخاطره و اثرات، پیش‌بینی و هشدار در زمینه مخاطره، اقدامات پیشگیرانه در کاهش آسیب‌ها، تأمین منابع واکنش و رویارویی، منابع درآمدی جایگزین، بازسازی خسارات، مدیریت مصرف، حمایت‌های نهادی و عملکرد مدیران محلی به گار گرفته شدند. گویه‌های مربوط به هریک از قلمروهای دانش مدیریت بحران خشکسالی، مطابق با جدول (۱۳) از طریق طیف لیکرت اندازه‌گیری شدند و میانگین هر مؤلفه مطابق با خانوارهای نمونه هر روستا، مبنایی برای تشکیل ماتریس وضع موجود ارزیابی سطح دانش مدیریت بحران خشکسالی و اولویت‌بندی روستاهای مورد مطالعه، به شمار آمد.

جدول ۱۳ ماتریس وضع موجود، میزان مؤلفه‌های دانش مدیریت بحران در روستاهای مورد مطالعه

روستا	شناخت مخاطره و اثرات	پیش‌بینی و هشدار در زمینه مخاطره	اقدامات پیشگیرانه در کاهش آسیب‌ها	تأمین منابع واکنش و رویارویی	منابع درآمدی جایگزین	بازسازی خسارات	مدیریت مصرف	حمایت‌های نهادی	عملکرد مدیران محلی
تیزاب	۲,۵۷	۲,۵۲	۲,۳۶	۲,۲۱	۲,۳۶	۲,۴۴	۲,۴۱	۲,۶۱	۲,۴۵
مهرآباد	۲,۴۶	۲,۶۱	۲,۳۰	۲,۰۵	۲,۰۶	۲,۴۱	۲,۳۳	۲,۴۳	۲,۶۸
خرگرد	۲,۵۲	۲,۴۸	۲,۲۶	۲,۱۸	۲,۰۹	۲,۴۴	۲,۳۲	۲,۴۸	۲,۴۲
ارزنه	۲,۷۸	۲,۶۵	۲,۳۱	۲,۱۸	۲,۰۳	۲,۴۴	۲,۳۹	۲,۶۱	۲,۴۰
حفیظ آباد	۲,۵۴	۲,۳۸	۲,۲۲	۲,۲۳	۲,۱۰	۲,۴۰	۲,۶۲	۲,۶۸	۲,۷۵
خواجه	۲,۴۱	۲,۷۸	۲,۳۲	۲,۰۱	۲,۰۵	۲,۴۰	۲,۱۴	۲,۴۴	۲,۴۰
دشت	۲,۳۵	۲,۶۸	۲,۴۱	۲,۰۵	۲,۱۷	۲,۳۸	۲,۱۸	۲,۵۳	۲,۴۰
گرازی	۲,۵۳	۲,۵۰	۲,۴۰	۲,۰۶	۲,۲۶	۲,۴۳	۲,۳۴	۲,۶۷	۲,۷۷
مه‌آباد	۲,۵۷	۲,۶۰	۲,۲۴	۱,۹۰	۲,۲۵	۲,۲۱	۲,۲۷	۲,۵۵	۲,۲۵
وراب	۲,۶۰	۲,۵۷	۲,۳۶	۲,۳۳	۲,۲۹	۲,۴۲	۲,۴۰	۲,۸۱	۲,۹۱
براکوه	۲,۹۸	۲,۷۵	۲,۳۱	۲,۱۵	۲,۲۳	۲,۲۵	۲,۴۰	۲,۴۳	۲,۸۵
فایندر	۲,۵۳	۲,۷۷	۲,۳۳	۲,۳۲	۲,۲۷	۲,۳۰	۲,۴۹	۲,۵۳	۲,۹۸
بیدپارسی	۲,۴۹	۲,۷۰	۲,۳۳	۲,۲۱	۲,۵۰	۲,۳۶	۲,۴۸	۲,۳۱	۲,۹۵
جمع	۳۳,۳۲	۳۳,۹۷	۳۰,۱۳	۲۷,۸۸	۲۸,۶۵	۳۰,۸۸	۳۰,۷۷	۳۳,۰۷	۳۴,۲۲

یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

در گام دوم، پس از تشکیل وضع موجود به منظور نرمالیزه کردن ماتریس وضع موجود، وزن دهی معیارها صورت گرفت که در این پژوهش، از روش وزن دهی آنتروپی شانون استفاده شد. نتایج وزن دهی در جدول (۱۴) آمده است.

جدول ۱۴ وزن معیارهای به دست آمده از طریق آنتروپی شانون

ردیف	مؤلفه	Z	وزن	ردیف	مؤلفه	Z	وزن
۱	شناخت مخاطره و اثرات	+	۰,۱۲۹	۸	بازسازی خسارات	+	۰,۰۳۵
۲	پیش‌بینی و هشدار در زمینه مخاطره	+	۰,۰۷۴	۹	مدیریت مصرف	+	۰,۰۹۹
۳	اقدامات پیشگیرانه در کاهش آسیب‌ها	+	۰,۰۲۱	۱۰	حمایت‌های نهادی	+	۰,۰۸۹
۴	تأمین منابع واکنش و رویارویی	+	۰,۱۱۴	۱۱	عملکرد مدیران محلی	+	۰,۳۱۰
۵	منابع درآمدی جایگزین	+	۰,۱۲۹				

یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

گام نهایی، مشخص کردن آلترناتیوی است که بهترین وضعیت را در بین معیارها دارد. هرچقدر مقدار ۱ یک گزینه بالاتر باشد، مقدار N_j آن بالاتر است. این مقدار به صورت درصد بیان می‌شود؛ یعنی مقدار کلی آن از ۰ تا ۱۰۰ محاسبه می‌شود. رتبه‌بندی، براساس مقدار Q_j صورت می‌گیرد؛ یعنی روستاهایی با بالاترین مقدار Q_j و N_j بالاترین سطح دانش و آگاهی مدیریت بحران خشکسالی را براساس ۹ قلمرو سطح دانش مدیریت بحران خشکسالی دارند و در مقابل، روستاهایی با کمترین مقدار Q_j ، پایین‌ترین سطح دانش مدیریت بحران خشکسالی را در مقایسه با سایر روستاها دارند. همان گونه که جدول (۱۵) نشان می‌دهد، روستای فایندر بالاترین میزان دانش مدیریت بحران خشکسالی و روستای مهاباد کمترین دانش مدیریت بحران خشکسالی را داشته است.

جدول ۱۵ نتایج ارزیابی مدل کوپراس برای رتبه‌بندی سطح دانش مدیریت بحران خشکسالی

رتبه	NJ	Q	۱/S-	SJ+	SJ-	روستاها
۷	۹۳,۷۸۹	۰,۰۷۶۵	۰,۰۰۰۰	۰,۰۷۶۵	۰,۰۰۰۰	تیزاب
۸	۹۲,۶۰۱	۰,۰۷۵۶	۰,۰۰۰۰	۰,۰۷۵۶	۰,۰۰۰۰	مهرآباد
۱۰	۹۰,۵۴۸	۰,۰۷۳۹	۰,۰۰۰۰	۰,۰۷۳۹	۰,۰۰۰۰	خرگرد
۹	۹۲,۴۱۵	۰,۰۷۵۴	۰,۰۰۰۰	۰,۰۷۵۴	۰,۰۰۰۰	ارزنه
۵	۹۶,۰۳۱	۰,۰۷۸۴	۰,۰۰۰۰	۰,۰۷۸۴	۰,۰۰۰۰	حفیظ آباد
۱۲	۸۸,۶۷۹	۰,۰۷۲۴	۰,۰۰۰۰	۰,۰۷۲۴	۰,۰۰۰۰	خواجه
۱۱	۸۹,۴۳۱	۰,۰۷۳۰	۰,۰۰۰۰	۰,۰۷۳۰	۰,۰۰۰۰	دشت
۶	۹۵,۶۹۴	۰,۰۷۸۱	۰,۰۰۰۰	۰,۰۷۸۱	۰,۰۰۰۰	گرازی
۱۳	۸۸,۳۷۸	۰,۰۷۲۱	۰,۰۰۰۰	۰,۰۷۲۱	۰,۰۰۰۰	مهاباد
۲	۹۹,۸۹۲	۰,۰۸۱۵	۰,۰۰۰۰	۰,۰۸۱۵	۰,۰۰۰۰	وراب
۴	۹۸,۷۹۹	۰,۰۸۰۶	۰,۰۰۰۰	۰,۰۸۰۶	۰,۰۰۰۰	براکوه
۱	۹۹,۹۶۲	۰,۰۸۱۶	۰,۰۰۰۰	۰,۰۸۱۶	۰,۰۰۰۰	فایندر
۳	۹۹,۳۴۸	۰,۰۸۱۱	۰,۰۰۰۰	۰,۰۸۱۱	۰,۰۰۰۰	بیدپارسی
*	*	*	۰,۰۰۰۰	۱,۰۰۰۱	۰,۰۰۰۰	جمع

یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

از نتایج این گونه استنباط می‌شود که روستاهای دهستان‌های مورد مطالعه، وضعیتی متفاوت به لحاظ سطح دانش روستاییان درباره مدیریت بحران خشکسالی هستند. همان گونه که جدول (۱۵) نشان می‌دهد در مجموع مؤلفه‌ها، روستاهای فایندر، وراب، بیدپاری و براکوه به ترتیب از وضعیت سطح دانش مدیریت بحران خشکسالی بهتری از دید جامعه نمونه دارند. بر پایه بررسی‌ها و مشاهدات پژوهش، این وضع در نتیجه برخورداری این روستاها از روابط بهتر و وسیع‌تری با سازمان و ارگان‌های مربوط به خشکسالی و مدیریت خشکسالی، فاصله نزدیک‌تر به مرکز شهرستان و در نتیجه دسترسی بهتر به زیرساخت‌های بهتر، بهره‌گیری از دانش بومی مدیریت خشکسالی، اشتغال بیشتر به کشاورزی و دامداری و جمعیت مسن‌تر، نسبت به سایر روستاها، ساکنان این روستاها دانش مدیریت بحران خشکسالی بیشتری دارند.

۵. نتیجه‌گیری

مخاطرات طبیعی یک چالش عمده در نواحی روستایی است و کنترل آن در روستا از اهمیت زیادی برخوردار است. با توجه به این مسئله هنوز عرصه‌های روستایی کشور از یک مدیریت فراگیر بحران برخوردار نبوده و سالیانه تعداد زیادی از ساکنان نواحی روستایی کشور در اثر سوانح طبیعی و غیرطبیعی دچار خسارات و تلفات جانی و مالی می‌شوند. این پژوهش به دنبال بررسی میزان دانش و آگاهی روستاییان درباره مدیریت بحران خشکسالی می‌باشد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که، دانش مدیریت بحران خشکسالی در میان خانوارهای روستایی مورد مطالعه در همه متغیرها پایین‌تر از سطح مطلوب میانگین عددی ۳ هستند. این نتایج با پژوهش سجاسی قیداری و همکاران (۱۳۹۳) همخوانی دارد که بیان می‌دارد که، سطح دانش مدیران محلی درباره مدیریت بحران پایین‌تر از سطح مطلوب میانگین عددی ۳ قرار دارند. برای بررسی ارتباط بین متغیرهای فردی و حرفه‌ای با متغیر وابسته یعنی سطح دانش روستاییان درباره مدیریت بحران خشکسالی به تناسب و برحسب نوع متغیر از ضرایب همبستگی استفاده گردید که طبق این آزمون در پژوهش حاضر بین متغیر جنسیت و دانش مدیریت بحران رابطه معناداری وجود ندارد و بین متغیرهای اشتغال، سطح تحصیلات و سن با متغیر وابسته دانش مدیریت بحران رابطه معنی داری وجود دارد و همچنین با نتایج به دست آمده از آزمون T با دونمونه مستقل مشخص شد که میانگین دانش مدیریت بحران بین مسن‌ترها و جوانان با هم تفاوت دارند و به نفع مسن‌ترها است. همچنین در بررسی میانگین دانش مدیریت بحران برحسب اشتغال افراد نمونه مشخص شد که میانگین دانش مدیریت بحران به نفع شغل‌های کشاورزی و دامداری است. بین متغیر سطح تحصیلات و دانش مدیریت بحران رابطه معنادار منفی برقرار می‌باشد که به دلیل عدم وجود منابع و سرفصل‌های آموزشی برای مدیریت بحران در مباحث آموزشی و پرورشی می‌باشد. در پیشینه تاریخی موضوع پژوهش حاضر، پژوهش یافت نشد که به بررسی رابطه و اثر متغیرهای عمومی و

حرفه‌ای روستاییان بر سطح دانش مدیریت بحران پرداخته باشد، لذا پژوهش حاضر از این نظر خاص‌تر می‌باشد.

کتابنامه

- اخوان، پیمان؛ درویش زاده، مرضیه؛ ۱۳۹۱. ارائه چارچوب مدیریت بحران مبتنی بر مکاتب فکری مدیریت دانش ایرل در بحران زلزله. فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران. پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات. شماره ۱، دوره ۶۷، صص، ۱۷۰-۱۴۳.
- افراخته، حسن؛ ۱۳۹۱. اقتصاد فضا و توسعه روستایی (مطالعه موردی: ناحیه شفت)، مجله اقتصاد فضا و توسعه روستایی. شماره ۱، ص ۴۰.
- امیری، عبدالرضا؛ ۱۳۷۸. بحران‌های طبیعی و نظم و امنیت اجتماعی، تهران: سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا. ص، ۳۴.
- ایمانی، بهرام؛ عمران زاده، بهزاد؛ ۱۳۸۸. راهکارهای رفع نارسایی مدیریت بحران در نواحی روستایی ایران. فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۲۵، صص. ۱۲-۳۲.
- تقوایی، مسعود؛ عزیزی، داود؛ ۱۳۷۸. برنامه‌ریزی و مدیریت بحران شهری، انتشارات کنکاش، اصفهان.
- سجادی، اشرف؛ ۱۳۹۲. مدیریت بحران و وظایف نیروهای مسلح در شرایط بروز بلایا و حوادث طبیعی. اولین همایش سراسری محیط زیست، انرژی و پدافند زیستی، ۱۰ دی ماه، تهران، موسسه آموزش عالی مهر اروند، گروه ترویجی دستداران محیط زیست.
- جعفری، مصطفی؛ ابن رسول، سیداصغر؛ دیده ور، فاطمه؛ ۱۳۸۵. نقش مدیریت دانش و فناوری اطلاعات در مدیریت ریسک پروژه. نشریه بین‌المللی علوم مهندسی. شماره ۵، صص ۳۱-۳۷.
- چشم براه، محسن؛ قاسمی، محمد؛ کرباسیان، محمد؛ یآوری، علیرضا؛ و خیام باشی، بیژن؛ ۱۳۹۳. راهبرد مدیریت دانش در مدیریت بحران. پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی. شماره ۴، صص ۲۷-۵۲.
- رفیعیان، مجتبی؛ مطهری، زینب السادات؛ ۱۳۹۱. طراحی مدلی برای مطالعه رویکرد مدیریت ریسک بحران اجتماع محور. مطالعه موردی: طرح دوام (داوطلبین واکنش اضطراری محلات)، فصلنامه علمی پژوهشی مدیرتی بحران. شماره ۱، صص ۵-۱۲.
- روشندل اربطانی، طاهر؛ پورعزت، علی اصغر؛ قلی پور، آرین؛ ۱۳۸۸. تدوین الگوی جامع فراگرد مدیریت بحران با رویکرد نظم و امنیت. فصلنامه دانش انتظامی. شماره ۲، صص. ۶۴-۸۲.
- ریاحی، وحید؛ زمانی، لقمان؛ ۱۳۹۲. مدیریت بحران زلزله در سکونتگاه‌های روستایی شهرستان سروآباد. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی. شماره ۱، صص. ۲-۲۲.
- سجاسی قیداری، حمدالله؛ صادقلو، طاهره؛ رئیسی، اسلام؛ ۱۳۹۳. سنجش سطح دانش مدیریت بحران مدیران محلی روستایی با تأکید بر زلزله. مطالعه موردی: دهستان گشت، شهرستان سراوان، پژوهش‌های روستایی. شماره ۳، صص. ۵۴۱-۵۶۱.

- سلمانی، محمد؛ ایمانی، بهرام؛ ۱۳۷۸. راهکارهای رفع نارسایی مدیریت بحران در نواحی روستایی. فصلنامه مدیریت بحران. شماره ۲۷، صص. ۵۰-۷۰.
- صادقلو، طاهره؛ عزیزی دمیرچیلو، عبدالله؛ ۱۳۹۴. ارزیابی میزان تأثیر گذاری دانش بومی بر پایداری توسعه کشاورزی، مطالعه موردی: روستاهای دهستان گوک تپه شهرستان بيله سوار. مجله پژوهش‌های روستایی. شماره ۲۲، صص. ۴۱-۶۱.
- عبدالهی، مجید؛ ۱۳۹۱. مدیریت بحران در نواحی شهری. انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور. تهران، صص. ۳۴-۵۵.
- عزیمی، آئیژ؛ میرزایی قلعه، فرزاد؛ درویشی، سبأ؛ ۱۳۹۴. جایگاه دانش بومی در مدیریت مخاطرات طبیعی در روستاها، مطالعه موردی: دهستان شیزر، شهرستان هرسین، فصلنامه جغرافیا و مخاطرات محیطی. شماره ۱۳، صص. ۳۹-۲۳.
- غلامحسینی، اسماعیل؛ ۱۳۹۱. بررسی نقش و جایگاه ناجا در مدیریت بحران‌های طبیعی. مطالعه موردی: بحران سفید، بحران برف ۱۳۸۳ گیلان، فصلنامه پژوهش‌های مدیریت انتظامی. صص. ۵۴۸-۵۶۸.
- فاضل نیا، غریب؛ رکن الدین افتخاری، عبدالرضا؛ ۱۳۸۲. تبیین نظریه‌ای عوامل مؤثر بر شناخت و آگاهی روستاییان از توانش‌های خود و محیط پیرامون. فصلنامه علمی پژوهشی. شماره ۱، صص. ۱۱۱-۱۵۰.
- فیروزی، محمدعلی؛ سجادیان، ناهید؛ سجادیان، مهیار؛ ۱۳۹۰. سیستم پشتیبانی تصمیم‌گیری فضایی مدیریت ریسک بحران‌های طبیعی در روستاها با بهره‌گیری از جی. آی. اس؛ گامی در راستای توسعه پایدار. مطالعه موردی: روستاهای استان مازندران، فصلنامه روستا و توسعه. شماره ۲، صص. ۹۳-۱۱۵.
- قدیری معصوم؛ قراگوزلو، مجتبی؛ قراگوزلو، هادی؛ ۱۳۹۱. نقش نواحی صنعتی در توسعه اقتصادی و اجتماعی سکونتگاه‌های روستایی. مجله اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ۱، شماره ۲، صص. ۱-۱۴.
- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰.
- موسوی، سیروس؛ ۱۳۹۰. قابلیت‌های دهیاری در مدیریت بحران روستاها. ماهنامه آموزشی، پژوهشی و ترویجی دهیاری‌ها. شماره ۳۶، صص. ۳-۵.
- محسنی، محمد؛ ۱۳۷۱. بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در ایران. معاونت پژوهشی و آموزشی فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- میرزاده اسدآبادی؛ اسماعیل؛ ۱۳۹۰. اثرات خشکسالی هواشناسی (اقلیمی) بر منابع آب دشت خواف. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد، واحد تربت حیدریه.
- وزین، نرگس؛ ۱۳۸۶. نقش دانش بومی و نوین در کاهش آسیب‌های محیطی در روستاها. مطالعه موردی: بخش خورش رستم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.

هزار جریبی، جعفر؛ محبوبی منش، حسین؛ ۱۳۹۱. تولید دانش انتظامی معطوف به ارتباطات علمی بین سازمانی در ناجا. فصلنامه نظم و امنیت انتظامی. شماره ۲، صص ۱-۲۹.

Abaci, M.C., 2016. ndama guidelines on management of nuclear and radiological emergencies, ndama haven. Safdarjung Enclave, 34 (1), 17-22.

Aping, T., Aisha, W., Xian, T., 2005. Earthquake disaster management in China.

Coppola, D.P., 2007. Introduction to International Disaster Management. Oxford, UK:

Butterworth, Heinemann, Burlington.

Edberg, BH., Tamara, LT., Eric, BB., Dianne. W., Gabor, DK., Gary., 2006. Healthcare worker competencies for disaster training BMC medical Education.

Hansson, K., Danielson, M., Ekberg, L., 2008. assessment of a flood management formwork, international journal of public information systems, 23, 25- 37

Jacques, Tony., 2007. issue management and crisis management. And integrated, Non-linear, Relational Construct Original. Research Article Public Relations Review, 32, 147- 157

Steve M, N., Mason, B., Koch, T., Ackerman, J., Cassidy, D., Belonged., 2008. corporate crisis management: Managing a major crisis in chemical facility, Journal of Hazardous Materials, 93-120.

Myers, D., Wee David, F., 1988. Disaster in mental health services. A primer for practitioners. Series in psychosocial stress. New York: Brunner- Routledge, 46-60.

R, Sang it, or. Rabat, Pal., K, Prada., 2014. Awareness of Rural Youth towards Disaster Management. A Gender Disintegrated Study. Indian Research, pp, 78- 82

V, Kumar i., K., Sabetha, P., 2015. Awareness on disaster management. An exploration among secondary school students in Kerala based on their gender, local and experience with disaster, guru journal of Behavioral and Social Sciences, p p. 382-388.

International Federation of Red Cross and Red Crescent Societies., 2013. Public awareness and public education for disaster risk reduction: key messages, Geneva, Switzerland.